



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

عنوان :

تأثیر اشتباه بر معاهدات بین المللی

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی

استاد مشاور:

دکتر سید قاسم زمانی

دانشجو:

صدیقه عسگریان

بهار و تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با تشکر از پدر و مادر مهربان و عزیزم که در کلیه مراحل زندگی و تحصیلاتم مرا یاری

نموده

و همیشه یاور و حامی من در طول زندگی‌ام بوده‌اند.

با تشکر و سپاسگزاری

از استاد راهنما جناب آقای دکتر محمد رضا ضیائی بیگدلی که همواره این حقیر را در

تهیه این پایان نامه و اعتلای سطح علمی آن یاری نموده‌اند.

همچنین از جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی که بعنوان استاد مشاور با راهنمایی

خود پشتیبان من بوده‌اند.

از جناب آقای دکتر جواد کاشانی نیز در خصوص قبولی داوری کار بنده، کمال تشکر

را دارم.

فهرست مطالب

عناوین	صفحه
	مقدمه
	بخش اول - تحلیلی حقوقی اشتباه و ابعاد آن در حقوق معاهدات
	گفتار نخست - کلیات
	بند اول - شرایط اعتبار معاهدات
	۱- اهلیت طرفهای معاهده
	الف- تابعان اصلی حقوق بین الملل
	۲. سازمان های بین المللی
	ب- دیگر موجودیتهای حقوقی
	۱. دول عضو کشور فدرال
	۲. جنبش های آزادی بخش ملی
	۳. موافقت نامه های مذهبی
	۲- رضایت طرفهای معاهده
	۳- مشروعیت موضوع و هدف معاهده
	بند دوم - نظام بطلان معاهدات
	۱- اشکال بطلان معاهده
	الف- بطلان مطلق
	ب- بطلان نسبی
	۲- موجبات بطلان معاهدات
	گفتار دوم- مفهوم اشتباه و شرایط حقوقی استناد به آن در حقوق داخلی
	بند اول - کلیاتی در باب شرایط صحت معاملات در حقوق ایران
	۱- شرایط اساسی صحت معاملات
	الف- قصد طرفین و رضای آنها
	ب- اهلیت طرفین
	ج- موضوع معینی که مورد معامله باشد.
	د- مشروعیت جهت معامله
	الف- اکراه
	ب- اشتباه
	۱. مواردی که اشتباه باعث بطلان معامله است
	۲. مواردی که اشتباه موجب خلو فسخ است
	۳. مواردی که اشتباه در معامله مؤثر نیست
	بند دوم - رابطه ی بین اشتباه و تدلیس در حقوق داخلی

..... ۳:	۱-تدلہیں
..... ۳:	الف- شرائط تدلہیں
..... ۳:	ب- تأثیری تدلہیں بر معاملہ
..... ۳.۱:	۲- اشتباہ ناشری از تدلہیں
..... ۳.۱:	بند سوم . شرائط استناد به اشتباہ در حقوق داخلی
..... ۳.۲:	گفتار سوم - مفهوم اشتباہ در حقوق عین الملل
..... ۳.۳:	بند اول - ملاحظات کلی در خصوص اشتباہ در حقوق عین الملل
..... ۳.۴:	۱- عیوب رضا
..... ۳.۴:	الف - ارتشای نمایندہ یک دولت لی سازمان عین المللی
..... ۳.۶:	ب- اجبار
..... ۳.۹:	ج- تقلب لی تدلہیں
..... ۴.۱:	۲- اشتباہ
..... ۴.۲:	الف- انواع اشتباہ و تأثیری گذاری آنها بر اعتبار معاهدہ
..... ۴.۲:	۱. اشتباہ حکمی
..... ۴.۳:	۲. اشتباہ موضوعی
..... ۴.۸:	۳. اشتباہ در نگارش
..... ۵:	بند دوم - رابطہ لی مکلن اشتباہ و تدلہیں در حقوق عین الملل
..... ۵.۱:	۱- شرائط تدلہیں و تأثیری آن بر معاهدات
..... ۵.۲:	۲- اشتباہ ناشری از تدلہیں
..... ۵.۳:	بند سوم - تفاوتها و شباهتها مکلن اشتباہ در حقوق داخلی و حقوق عین الملل
..... ۵.۳:	۱. تفاوتها
..... ۵.۴:	۲. شباهتها
..... ۵.۵:	۳. نتیجہ گیری
..... ۵.۶:	بخش دوم- اثربخشی اشتباہ
..... ۵.۷:	گفتار نخست- بھشونہ لی تاریخ لی اشتباہ
..... ۵.۷:	بند اول- مباحث ابتدایی در خصوص اشتباہ
..... ۵.۹:	بند دوم- اشتباہ متقابل و یک جانبہ
..... ۵.۹:	الف- طرح اولیہ لی مادہ لی ۴۸
..... ۶.۳:	بند سوم- چگونگی شکل گیری مادہ لی ۴۸
..... ۶.۵:	گفتار دوم- دامنه لی شمول و استثنائات مادہ لی ۴۸
..... ۶.۵:	بند اول- دامنه شمول مادہ لی ۴۸
..... ۷:	بند دوم- استثنائات مادہ لی ۴۸
..... ۷.۴:	گفتار سوم- رابطہ لی مادہ لی ۴۸ با سایر مواد مرتبط کنوانسیون
..... ۷.۵:	بند اول- رابطہ لی مادہ لی ۴۸ با سایر مواد به جز مادہ لی ۴۹

..... ۷۵.....	۱- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۴۲
..... ۷۶.....	۲- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۴۴
..... ۷۶.....	۳- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۴۵
..... ۷۷.....	۴- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۶۱
..... ۷۸.....	۵- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۶۸-۶۵
..... ۷۹.....	۶- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۶۹
..... ۸۰.....	۷- ارتباط ماده ی ۴۸ با ماده ی ۷۱
..... ۸۰.....	۸- ارتباط ماده ی ۴۸ با ماده ی ۷۳
..... ۸۰.....	۹- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۷۹
..... ۸۱.....	بند دوم- رابطه ی ماده ی ۴۸ با ماده ی ۴۹
..... ۸۴.....	گفتار چهارم- شرایط کلی استناد به اشتباه
..... ۸۵.....	بند اول- شرایط مربوط به خود اشتباه
..... ۸۷.....	بند دوم- شرایط مربوط به مدعی اشتباه
..... ۹۰.....	بند سوم- اقدامات لازم جهت اثبات اشتباه
..... ۹۲.....	بند چهارم- آثار بطلان معاهدات
..... ۹۳.....	بند پنجم- حل و فصل اختلافات ناشی از اشتباه
..... ۹۴.....	گفتار پنجم- رویه ی قضایی و داوری بین المللی و مساله ی اشتباه
..... ۹۵.....	بند اول- آراء دیوان دائمی دادگستری و دیوان بین المللی دادگستری
..... ۹۵.....	۱- بررسی دعوی معبد پرآه و چهار مکان تالهند و کامبوج
..... ۱:۳.....	۳- قرضه مربوط به حاکمیت بر برخی مناطق مرزی
..... ۱:۴.....	۴- قرضه ی گرنی لند شرقی
..... ۱:۴.....	بند دوم- آراء داوری
..... ۱:۵.....	۱- قرضه کرافت
..... ۱:۵.....	۲- قرضه ی رود سنت کرووا
..... ۱:۶.....	۳- قرضه سرزمین سار
..... ۱:۶.....	گفتار ششم : مسئولیت بین المللی در قبال بروز اشتباه
..... ۱:۷.....	بند اول: کلیاتی در باب حقوق مسئولیت بین المللی
..... ۱:۸.....	۱- تعریف مسئولیت بین المللی
..... ۱:۹.....	۲- عوامل تشکیل دهنده ی مسئولیت بین المللی
..... ۱:۹.....	الف- عامل سیاسی
..... ۱:۱۰.....	ب- عامل خلاقی
..... ۱:۱۰.....	ج- عامل حقوقی
..... ۱:۱۱.....	۳- مبانی مسئولیت بین المللی
..... ۱:۱۱.....	الف- نظریه ی خطا یا مسئولیت ذهنی

.....۱.۱.۱.....	ب-نظریه‌ی خطر یا مسئولیت عینی
.....۱.۱.۲.....	ج-نظریه‌ی عمل خلاف حقوق
.....۱.۱.۲.....	بند دوم: مناسبات متقابل حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی
.....۱.۱.۳.....	۱-رابطه‌ی میان حقوق و معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی
.....۱.۱.۴.....	۲-وضعیت کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و حقوق مسئولیت بین‌المللی
.....۱.۱.۶.....	۳-رژیم‌های خود بسنده و رابطه‌ی آن با مسئولیت
.....۱.۱.۸.....	بند سوم - اشتباه و مسئولیت بین‌المللی
.....۱.۱.۹.....	۱-مسئولیت مدعی اشتباه در خصوص اشتباه ناشی از عمل خود
.....۱.۲.۰.....	۲-مسئولیت طرف معاهده در به اشتباه انداختن طرف دیگر
.....۱.۲.۱.....	۳-مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی ثالث در به اشتباه انداختن طرف معاهده ۱۲۲
.....۱.۲.۲.....	۴- اشتباه و حق و تکلیف برای ثالث
.....۱.۲.۳.....	الف- معاهدات موجد حق برای ثالث
.....۱.۲.۳.....	ب- معاهدات موجد تکلیف برای ثالث
.....۱.۲.۴.....	بند چهارم : شیوه‌های جبران خسارت
.....۱.۲.۵.....	۱-اعاده‌ی وضع به حالت اولیه
.....۱.۲.۶.....	۲-عطف به ماسبق شدن معاهده‌ی بطل
.....۱.۲.۶.....	۳- پرداخت غرامت
.....۱.۲.۸.....	نتیجه‌گیری
.....۱۳۰.....	پیشنهادات
.....۱.۲.۳.....	فهرست منابع

مقدمه

معاهدات بین‌المللی مهم‌ترین منبع حقوق بین‌الملل می‌باشند که فعالیت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در عرصه‌های بین‌المللی شکل می‌دهند و نیز تجلی بنیادین زیست بین‌المللی اند. لذا اعتبار و دوام معاهدات هم‌واره یکی از بزرگترین نگرانی‌ها و دول در این عرصه بوده است. همانطور که می‌دانیم، هر عمل حقوقی برای آنکه معتبر باشد باید دارای سه شرط باشد: ۱- تابع یا عامل برای انجام آن عمل دارای اهلیت قانونی باشد. ۲- موضوع و هدف آن عمل مشروع باشد. ۳- عامل دارای اراده‌ی آزاد باشد. در خصوص اعتبار معاهدات نیز همین شرایط ساری و جاری می‌باشد. در این خصوص بحث ما در مورد اراده‌ی آزاد و اشتباه به عنوان معیوب‌کننده‌ی اراده‌ی آزاد می‌باشد. در خصوص عیوب رضا، قانون‌گذار در حقوق داخلی ایران مواد ۱۹۱-۲۰۹ قانون مدنی را به این امر اختصاص داده است. در حقوق بین‌الملل، درست است که بسیاری قواعد وام دار حقوق داخلی هستند، اما بواسطه‌ی ساختار خاص جامعه‌ی بین‌الملل این مقررات مانند آنچه در حقوق داخلی وجود دارد در حقوق بین‌الملل یافت نمی‌شوند. آنچه که در هر دو نظام برآن اتفاق نظر وجود دارد این است که اشتباه از جمله عوامل تاثیرگذار بر اراده‌ی آزاد بوده و بنا به مورد می‌تواند بی‌اعتباری معاهده را به همراه داشته باشد. در این خصوص در تعریف اشتباه می‌توان گفت: اشتباه عبارتست از تصور خلاف واقع از چیزی مادی یا معنوی. وفق این تعریف می‌توان سه نوع اشتباه را از یکدیگر بازشناخت: اشتباه حکمی، اشتباه موضوعی و اشتباه در نگارش. اشتباه می‌بایست اساسی بوده و در ذات اراده‌ی طرف تاثیر گذارد در این خصوص ماده‌ی ۴۸ عهد نامه‌های حقوق معاهدات بیان می‌دارد:

۱- در صورتی که اشتباه به واقعیت یا وضعیتی مربوط باشد که در زمان انعقاد معاهده موجود بوده است و این امر مبنای اساسی رضایت وی به التزام به معاهده را تشکیل داده باشد، آن

کشور می‌تواند به این اشتباه به عنوان بی اعتبار کننده‌ی رضایتش به التزام نسبت به معاهده استناد کند.

۲- چنانچه کشور مزبور با رفتار خود در بروز اشتباه دخیل بوده باشد و یا اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که وی می‌بایست از امکان وجود چنین اشتباهی آگاه باشد، بند ۱ مجری نخواهد بود.

۳- اشتباهی که منحصرأً مربوط به عبارات متن معاهده باشد، تاثیری در اعتبار آن نداشته در اینصورت مقررات ماده‌ی ۷۹ مجری خواهد بود.

در این خصوص، در خصوص اشتباه موضوعی چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل اتفاق نظر وجود دارد که چنین اشتباهی منجر به بی اعتباری معاهده است. اما در خصوص اشتباه حکمی، اندکی تفاوت وجود دارد، بدین صورت که حقوق داخلی آنرا از عوامل بی اعتباری نمی‌داند و پیرو قاعده‌ی جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، می‌باشد در حالی که در حقوق بین الملل در مواردی دیده شده است که اشتباه حکمی به طور ضمنی پذیرفته شده است (از جمله رأی معبد پرآه ریهار که بدان به تفصیل خواهیم پرداخت). در خصوص اشتباه نگارشی نیز، در هر دو نظام، مورد را از موارد بی اعتباری ندانسته و با تصحیح معاهده این اشتباه بر طرف می‌گردد. در خصوص ماده‌ی ۴۸ یکسری استثنائات وجود دارد که طبق آنها مدعی نمی‌تواند به اشتباه به عنوان معیوب کننده‌ی رضایتش استناد کند. پس از ادعای اشتباه و اثبات آن که بر عهده‌ی مدعی می‌باشد، با مسئله‌ی جبران خسارات ناشی از اشتباه مواجه خواهیم شد که با اقداماتی از قبیل اعاده‌ی وضع به حالت اولیه، پرداخت غرامت و امثال آن جبران خواهد گردید. لذا این امر پسندیده است که با اشتباه، ابعاد آن، طرق اثبات و آثار ناشی از آن و بالاخره تاثیر آن بر معاهده بپردازیم.

پرسش تحقیقی

در پایان سوالاتی که در ادامه پژوهش در صدد تبیین پاسخ آنها هستیم مطرح می‌شود:

پرسش اصلی: اشتباه تا چه حدودی اعتبار معاهدات بین‌المللی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

پرسش فرعی: چگونه حقوق بین‌الملل معاهدات تاثیر اشتباه را بر امنیت حقوقی روابط

بین‌المللی تعدیل کرده است؟

فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی: وفق حقوق بین‌الملل معاهدات، اشتباه گاه بر معاهده بی‌تاثیر است و گاه موجب

بطلان نسبی معاهده می‌گردد.

فرضیه فرعی: حقوق بین‌الملل معاهدات با قائل شدن به بطلان نسبی معاهده و حق مدعی

اشتباه به تنفیذ بعدی یا رد آن، اثر اشتباه را نسبت به معاهدات تعدیل نموده است.

پیشینه ی پژوهش

به نظر می‌رسد منابعی که به مسئله‌ی تاثیر اشتباه بر معاهدات بین‌المللی پرداخته‌اند، بسیار محدود می‌باشد علی‌رغم آنکه کتب تخصصی حقوق بین‌المللی کمابیش راجع به مسئله‌ی مذکور و در حد چند سطر و یا حداکثر چند صفحه بحث نموده‌اند^۱ اما در حقوق بین‌الملل، با کمبود منابع مستقل و مرتبط با موضوع مواجهیم. در ارتباط با منابع انگلیسی که بعضاً به نحو مطلوبی به ابعاد حقوقی اشتباه و تاثیر آن بر اعتبار معاهدات بین‌المللی پرداخته‌اند، با مقالات و کتبی مواجه شدم که به طور جزئی و به گونه‌ای فرع بر مباحث حقوق بین‌الملل بدین موضوع پرداخته‌اند.^۲

۱- از جمله:

الف: هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، (فرهنگ فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳).

ب: محمد رضا ضیائی بیگدلی، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، (گنج دانش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵).

ج: رضا موسی‌زاده، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، (نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷).

2 -

A: Elias TO "Problem concerning the validity of Treaties in the municipal law of the socialist states", *AjIL*, 1965.

B: Ginsburg, G., "Validity of treaties in the municipal law of the socialist states", *AjIL*, 1965.

C: Rozakis, C.L., "The law on invalidity of treaties", *Archive*, V, 1973-1975.

D: Aust Anthony, "modern treaty law & practice", (Combridge university press, 2000).

E: Rosenne Shabtai, "the law of treaties: A guide to the legislative history of the Vienna convention," (A. W. SIJTHOFF-LEYDEN, Oceana publication, INC).

F: Comission of international Law, year book, 1961-1969.

اهداف پژوهش

عطف به پیشینه بسیار محدود تحقیق و با توجه به اهمیت تخصصی موضوع و گسترش روز افزون انعقاد معاهدات بین‌المللی میان تعداد قابل توجهی از تابعان حقوق بین‌الملل، این امر ضروری می‌نماید که به تاثیر اشتباه (به عنوان یکی از عیوب رضا) بر اعتبار اینگونه معاهدات پرداخته شود.

هدف از این پژوهش بررسی این امر است که آیا اساساً اشتباه تاثیری بر اعتبار معاهدات بین‌المللی می‌گذارد، اگر آری، این تاثیر تا چه میزان می‌باشد. آیا اصولاً شرایطی برای استناد به اشتباه در این خصوص در حقوق معاهدات وجود دارد.

به طور کلی تجزیه و تحلیل ابعاد حقوقی اشتباه، انواع آن و تاثیر هر یک از اقسام اشتباه و بار اثبات اشتباه از اهداف کلی این پژوهش می‌باشد. در این راستا تلاش پژوهشگر بر آن است که با توجه به عدم وجود منابع کافی انگلیسی و فارسی در خصوص موضوع مطروحه و با امعان نظر به نگرانی کشورها به عنوان تابعان فعال حقوق بین‌الملل در خصوص ابعاد، حوزه و شرایط استناد به اشتباه، گامی موثر در جبران خلا حقوقی موجود برداشته شود. پژوهشی که می‌تواند زمینه ساز بروز آثار و کتب حقوقی پر محتوا را فراهم کند و دشواری مراجعه به منابع لاتین را از پیش رو بردارد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

به واسطه‌ی گسترش همکاری‌های بین‌المللی دول در عرصه‌ی بین‌المللی و در نتیجه‌ی آن انعقاد هر چه بیشتر معاهدات بین‌المللی و به تبع آن نگرانی دولت‌ها از سوء استفاده‌ی اطراف معاهده در استناد به اشتباه به عنوان یکی از عیوب رضا در التزام به تعهدات بین‌المللی و نیز عدم پردازش مستقل و وسیع در خصوص این پدیده، از جمله اشاره‌ی اجمالی کنوانسیون

۱۹۶۹ حقوق معاهدات به این مسئله، این امر ضروری می‌نماید تا به طور گسترده به ابعاد و دامنه‌ی حقوقی استناد به اشتباه و تاثیر آن بر معاهدات بین‌المللی بپردازیم.

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی

- **معاهده‌ی بین‌المللی:** هر گونه توافق منعقد شده ی کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین‌الملل است، به شرطی که طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شده و این مقررات بر آن توافق حاکم باشد و در نتیجه، آثار حقوقی مشخص را به بار آورد. عنوان چنین توافقی هر چه باشد، موثر در مقام نیست.

- **بطلان یا بی‌اعتباری معاهدات:** معاهدات زیست حقوقی خود را با فرایند انعقاد، لازم‌الاجرا شدن، ورود به نظام حقوقی بین‌المللی و اثر بخشی حقوقی آغاز می‌کنند، اما برخی از آنها ممکن است در حین اجرا، با ادعای غیر قانونی بودن شکلی یا ماهوی مواجه گردند.

- **بطلان مطلق:** منظور موجباتی است که تحقق آنها منجر به بطلان خود به خود معاهدات می‌گردد. در این صورت معاهده قابل تایید یا تنفیذ بعدی نمی‌باشد.

- **بطلان نسبی:** نسبت به طرف معاهده‌ای که مدعی بطلان است و در واقع تنها طرف زیان دیده، قابلیت استناد و اجرا دارد، اما او می‌تواند با اعلام رضایت بعدی بطلان را بی اثر سازد.

- **اشتباه:** تصور خلاف واقع از چیزی مادی یا معنوی .

مشکلات و تنگناهای احتمالی

به نظر می‌رسد نبود منابع مستقل فارسی که ناشی از بی سابقه بودن موضوع تحقیق در حد یک پایان نامه تخصصی حقوق بین‌الملل است، مهم‌ترین تنگنا در مسیر این پژوهش بوده است، به علاوه تخصصی بودن مطالب مندرج در کتب و مقالات لاتین و عدم پرداختن مستقل به مسئله تاثیر اشتباه بر اعتبار معاهدات بین‌المللی، جز در تعداد معدودی از منابع که در

پیشینه‌ی تحقیق لحاظ شده، از مشکلات عمده دیگری است که به نظر از تنگناهای احتمالی پژوهش بوده است.

روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اینترنتی است و روش تحقیق، علمی، توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

در جستجوی اینترنتی، کلیدی واژگان همچون *invalidity of treaties, Mistake, convention of the law of treaties* و غالباً در موتورهای جستجو *google* و *yahoo* استفاده گردیده است.

سازمان دهی پژوهش

این پژوهش شامل دو بخش خواهد بود. بخش اول شامل سه گفتار می‌باشد: در بخش اول به تحلیل حقوقی اشتباه و ابعاد آن در حقوق معاهدات می‌پردازیم. در گفتار نخست به بررسی کلیاتی در باب اشتباه خواهیم پرداخت. در گفتار دوم مفهوم اشتباه و شرایط حقوقی استناد به آن در حقوق داخلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در گفتار سوم به بررسی مفهوم اشتباه در حقوق بین‌الملل پرداخته خواهد شد. بخش دوم شامل شش گفتار می‌باشد:

گفتار نخست در بردارنده‌ی پیشینه‌ی تاریخی در خصوص اشتباه می‌باشد.

در گفتار دوم به بررسی دامنه‌ی مشمول ماده‌ی ۴۸ و استثنائات این ماده می‌پردازیم.

در گفتار سوم به رابطه‌ی ماده‌ی ۴۸ با سایر مواد مرتبط کنوانسیون پرداخته خواهد شد.

در گفتار چهارم به بررسی شرایط کلی استناد به اشتباه خواهیم پرداخت.

در گفتار پنجم به بررسی رویه‌ی قضایی و داوری بین‌المللی و مساله‌ی اشتباه خواهیم پرداخت.

گفتار ششم در برگیرنده‌ی مسائل مربوط به اشتباه و مسئولیت بین‌المللی خواهد بود.

بخش اول - تحلیل حقوقی اشتباه و ابعاد آن در حقوق معاهدات

«اشتباه معیوب کننده‌ی قراردادهای یک مشکل شناخته شده در کلیه سیستم‌های حقوقی است، ولی در خصوص اشتباه نظریات بسیار متفاوتی وجود دارد. در خصوص معاهدات این مشکلی است که در تئوری مهم‌تر جلوه‌گر می‌شود تا در عمل. چرا که دولت‌ها معمولاً هنگام انعقاد معاهدات دچار اشتباه نمی‌شوند، بلکه اکثر مواردی که به اشتباه استناد شده، اشتباه در نقشه‌ها به خصوص نقشه‌های مربوط به تعیین مرزها بوده است.»^۱ در رویه‌ی عملی هم به اشتباه ندرتا به عنوان عاملی جهت بی‌اعتباری استناد می‌شود، چرا که طولانی بودن مراحل مذاکرات، احتمال بروز اشتباه را کاهش می‌دهد.^۲

با این اوصاف، هدف ما در این بخش، بررسی کلیاتی در خصوص اشتباه از قبیل شرایط اعتبار معاهدات و نظام بطلان در گفتار اول و بررسی مفهوم اشتباه و شرایط استناد به آن در حقوق داخلی، شرایط اساسی صحت معاملات در حقوق ایران، ذکر عیوب اداره و رابطه‌ی اشتباه و تدلیس در گفتار دوم و در آخر بررسی اشتباه از منظر حقوق بین‌الملل، نگاهی مجدد بر شرایط اعتبار معاهدات، عیوب رضا، رابطه‌ی بین اشتباه و تدلیس در حقوق بین‌الملل و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های میان اشتباه در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در گفتار سوم می‌باشد.

گفتار نخست - کلیات

در این گفتار به بررسی شرایط کلی که در خصوص اعتبار معاهدات می‌بایست وجود داشته باشد پرداخته می‌شود. نبود هر یک از این شرایط می‌تواند منجر به بی‌اعتباری معاهدات گردد. بی‌اعتباری معاهدات نیز درجات گوناگون دارد. فقدان هر یک از شرایط اعتبار می‌تواند منجر به

1- Mohammad Bedjaoui, **International law: achievement & Prospects**, Martinus Nijhoff, UNESCO, 1999.P.151.

2- Linda A.Malone, *The Emanuel law outlines series*, Aspen Publishers, third edition, P.120.

بطلان مطلق و یا بطلان نسبی معاهده گردد. در این گفتار به طور مختصر به بررسی کلیه ی موارد مذکور خواهیم پرداخت.

بند اول – شرایط اعتبار معاهدات

با پیشرفت علوم و فنون و به هم وابستگی کشورها، معاهده به طور روز افزون، در زمینه های مختلفی مورد استفاده قرار می گیرد و همچنین معاهده وسیله ای است برای تغییر و تحول حقوق بین الملل. در مواردی که نسبت به قواعد عرفی در یک حوزه ی معین، موافقت وجود دارد، این قواعد به صورت معاهده مدون می شوند.^۱ لذا معاهده ی بین المللی را نباید فقط در حد ابزاری فنی در نظر گرفت که با تشریفات نسبتاً پیچیده ساخته و پرداخته شده است. معاهده علاوه بر شکل و صورتی که دارد، اصولاً مبین قاعده های حقوقی است که برای تنظیم روابط بین المللی وضع می شود. از این رو معاهده را می توان به لحاظ اقتدار و همچنین قلمرو اجرایی آن مورد مطالعه قرار داد.^۲ معاهدات، زیست حقوقی خود را با فرآیند انعقاد، لازم الاجرا شدن، ورود به نظام حقوقی بین المللی و اثر بخشی حقوقی آغاز می کنند. اما برخی از آنها ممکن است در حین اجرا با ادعای غیر قانونی بودن شکلی یا ماهوی مواجه شوند.^۳ معاهده پس از انجام تشریفات مربوط به انعقاد، حیات حقوقی را دارا می شود. با این همه، نمی توان برای ایجاد آثار خود به طور مستمر، این حیات را حفظ کند، مگر آنکه همچنان معتبر باشد. بنابراین، مانند هر عمل حقوقی، در صورت عدم صحت، دچار بطلان می شود.^۴ به عبارت دیگر، هر معاهده ی بین المللی، مانند قرارداد خصوصی بین افراد حقوق خصوصی دارای ارکان اصلی است و فقدان یکی از آن

۱- هوشنگ مقتدر، *حقوق بین الملل عمومی*، (مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهاردهم، پاییز ۱۳۸۷)، ص ۲۳۰.

۲- هدایت ا... فلسفی، *بهرین*، ص ۲۵۱.

۳- محمد رضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین الملل عمومی*، (گنج دانش، چاپ بیست و هشتم، تهران ۱۳۶۸)، ص ۱۴.

۴- نگوبین کک دئی، پاتریک دینیه و آلن پله، *حقوق بین الملل عمومی*، (ترجمه حسن حبیبی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲)، جلد اول، ص ۳۰۱.

عناصر موجب لغو معاهده می‌شود.^۱ برای اعتبار معاهدات، شرایط صوری و مادی لازم است. این شرایط متعدد است و عدم رعایت آنها در بسیاری موارد موجب بی‌اعتباری قراردادها می‌باشد. این شرایط که رعایت آنها لازمی اعتبار هر قراردادی است، گاه اساسی است مانند صلاحیت دولت و کسانی که آن را منعقد می‌سازند، معلوم بودن موضوع قرار دارد و امثال آن و گاه شرایط صوری است. مثلاً شرایط مربوط به امضاء و تصدیق قراردادها و مواردی به ثبت رساندن آنها.^۲ در اینجا شرایط اساسی اعتبار معاهدات مدنظر ما می‌باشد.

پس به طور کلی اصطلاح «اعتبار معاهدات» به شیوه‌ای قابل فهم، شرایطی را که یک معاهده می‌بایست دارا باشد تا دارای اعتبار و اثر قانونی باشد و نیز شرایطی در خصوص عدم پابندی را بیان می‌کند. این شرایط بدین شرح می‌باشد: الف. اهلیت طرفهای معاهده ب. رضایت طرفهای معاهده ج. مشروعیت موضوع و هدف معاهده^۳

۱- اهلیت طرفهای معاهده

طبق مقررات حقوق معاهدات، تنها تابعان حقوقی دارای اهلیت انعقاد معاهده هستند، زیرا معاهده عملی است منعقد شده میان تابعان حقوق بین الملل. بندهای مختلف ماده ۲ عهدنامه‌های حقوق معاهدات، بیان کننده ی چنین حکمی هستند. در کنار تابعان حقوق بین الملل، (کشورها و سازمان‌های بین المللی) برخی از موجودیت‌های حقوقی دیگر نیز دارای اهلیت انعقاد برخی معاهدات هستند.^۴

۱- منصور پورنوری، حقوق بین الملل عمومی، (نشر مهر حقوق، چاپ اول، تهران ۱۳۸۳)، ص ۴۷.

۲- پرویز ذوالعین، مبانی حقوق بین الملل عمومی، (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۷۷)، ص ۶۷۵.

3- Meinhard Schroder, *treaties, validity: history of international law*; P.511.

۴- محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین المللی، بخشین، ص ۲۰۱.

الف- تابعان اصلی حقوق بین الملل

تابع حقوقی یعنی شخصی که هم واضع قواعد حقوقی و هم دریافت کننده‌ی آن قواعد است.^۱ به موازات توسعه‌ی حقوق بین الملل و گسترش دامنه‌ی شمول آن، نهادهایی "جدید" به عنوان "بازیگران" بین المللی پذیرفته شده‌اند. این نهادها از شخصیت‌های بسیار متفاوتی برخوردارند. زمانی دولت‌ها به عنوان تابعان انحصاری حقوق بین الملل مورد توجه قرار می‌گرفتند: «از آنجا که حقوق ملل بر رضایت مشترک دولت‌ها می‌باشد، نه بر اراده‌ی افراد بشر، و از این رو دولت‌ها تابعان بین الملل هستند.»^۲

به عبارت دیگر، حقوق بین الملل، به گونه‌ای رشد کرده که تبدیل به یک سیستم حقوقی تکامل یافته شده است که در بردارنده‌ی کلیه روابط میان دولت‌ها و همچنین اخیراً روابط بین دولت‌ها و واحدهای فدرال، بین دولت‌ها و شرکت‌های چند ملیتی و بین سازمان‌های بین المللی و دول عضو می‌باشد. تنها چند دهه قبل، حقوق بین الملل به صورت انحصاری میان دولت‌ها اعمال می‌شد. امروزه شبکه‌ی گسترده‌ای از قوانین وجود دارد که هدایت کننده‌ی حقوق و تکالیف بی شماری است که ماوراء مرزهای ملی وجود دارد. این گستردگی ناشی از گسترش فزاینده در تعداد و تنوع سازمان‌های بین المللی و کنفرانس‌های مرتبط با قانون گذاری است.^۳

به هر حال، امروزه اگر چه دولت‌ها در فرآیند انعقاد معاهدات، چه در مرحله‌ی مذاکرات و چه در مراحل بعدی، نقش هدایت گری ایفا می‌کنند، اما محققان در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند. نقش دول در انعقاد معاهدات در دو مرحله مد نظر قرار داده شده، مرحله‌ی نخست در سطح ملی و تحت فشار گروه‌های داخلی است که عمده تلاششان قانع کردن سایرین در خصوص نقطه نظرشان است. مرحله‌ی دوم، در سطح بین المللی است که

۱- ژان فرانسوا اوبر؛ "ملاحظات یکی از متخصصان حقوق اساسی در پیوسته تحول منابع حقوق بین الملل"، ترجمه‌ی دکتر سید علی هنجی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، ش ۸، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ص ۲۵۶).

۲- ربه‌کا والاس، حقوق بین الملل، ترجمه‌ی دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهر املو، (نشر دانش، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲)، ص ۷۰.
3- Thomas M. Frank, *Fairness in International law and Institutions*, (oxford university press, 1995), p.p. 5-6.

حکومت‌های ملی نهایت سعی خود را در برده کار بردن بالاترین توانایی‌های خود و مجاب کردن گروه‌های ملی به کار می‌برند.^۱

در این خصوص، دولت تابعی حقوقی است که از هر لحاظ دارای اهلیت انعقاد معاهده است. "البته برخی دولت‌ها بر این قاعده‌ی کلی استثناء وارد کرده‌اند و در مواردی این حق را از بعضی دولت‌ها دریغ نموده‌اند؛ چنان که قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه سرزمین‌های آفریقای تحت تسلط خود را با آن که در اداره‌ی امور داخلی خود اختیاراتی نسبتاً گسترده داشتند، از حق انعقاد معاهدات بین‌المللی محروم کرده بود.^۲ گاه دیده شده که دولتی دولت دیگر را مأمور اداره‌ی روابط بین‌المللی خود کرده و به چنین دولتی اجازه داده است که به نیابت آن، معاهداتی بین‌المللی منعقد کند. تردیدی نیست که این معاهدات (معاهداتی که وکالتاً انعقاد یابند) اعتباری مسلم دارند. اما اگر موکل خود رأساً در مورد موضوعی که قبلاً به دیگری وکالت داده است لبدولتی پیمان ببندد، نمی‌توان گفت که آن معاهده باطل است.^۳

۲. سازمان‌های بین‌المللی

نقش سازمان‌های بین‌المللی در انعقاد معاهدات چند جانبه دارای تاریخچه‌ی طولانی است. به هر حال، این نقش از قرن ۱۹ به واسطه‌ی گسترش جوامع بین‌المللی و ظهور سازمان‌های بین‌المللی که تلاششان در جهت جهانی شدن است، تغییر کرده است. اهمیت سازمان‌های بین‌المللی در عرصه‌ی انعقاد معاهدات بین‌المللی، امری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این امر بدین دلیل است که سازمان‌های بین‌المللی در مقیاس قابل توجهی با یکدیگر متفاوتند. مسئله بدین صورت است که ماهیت نقشی که حقوق بین‌الملل با حل مسائل بین‌المللی بازی می‌کند، با تکیه بر این امر که آیا نقش سازمان مربوط مرتبط با حل مسائل و مشکلات سیاسی

1- Malgosia Fitzmaurice and Olfemi Glias, *contemporary issues in the law of treaties*, (Elven international publishing, 2005) P.54.

2- Bastid Suzanne, *les traités dans la vie internationale*, economica, paris, 1985, P.82.

۳- هدایت... فلسفی، پیشین، ص ۲۵۳.

است یا ابتدا به تأسیس یا توسعه‌ی قواعد و معیارهای بر می‌گردد. بسیار متفاوت است. در این خصوص نقش سازمان‌های بین‌المللی به عنوان بازیگران در عرصه‌ی انعقاد معاهدات بواسطه‌ی ماهیت دوگانه‌اشان بسیار پیچیده می‌باشد. از یک سو، می‌توان آن‌ها را یک مجموعه فرض کرد که نمایندگان دول عضو در آن عقیده و نظرشان را بیان می‌کنند. از سوی دیگر، بدون برخورد با دکترین مربوط به شخصیت بین‌المللی جدای از دول عضو می‌باشد و این که یک سازمان بین‌المللی یک نهاد مجزا است که در کمیت و کیفیت با تجمعی از نمایندگان دول متفاوت است.^۱ در نهایت، امروزه صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی در انعقاد معاهدات امری مسلم می‌نماید، زیرا هم در نظر و هم در عمل ثبت شده است که سازمان‌های بین‌المللی، تابعان حقوق بین‌المللی هستند. با این وصف، این صلاحیت خود ناشی از صلاحیت آن دولت‌های است که این دولت‌ها در اساسنامه‌ی بینابین و یا اصولاً در عمل به آن سازمان بین‌المللی تفویض کرده‌اند. بنابراین هر سازمان بین‌المللی فقط تا آن حد اختیار عقد معاهده را دارد که به آن اجازه داده شده است.^۲

ب- دیگر موجودیت‌های حقوقی

در کنار تابعان اصیل حقوق بین‌الملل که هم واضح قواعد حقوقی هستند و هم دریافت کننده آن قواعد، یک سری موجودیت‌های حقوقی هم وجود دارند که صرفاً دریافت کننده‌ی قواعد حقوق بین‌المللی هستند. یعنی قواعد حقوق بین‌الملل، در مواردی در خصوص آنها وضع شده و آنها را موضوع حق و تکلیف قرار داده است. حال تحت شرایطی خاص و استثنائی ممکن است به این موجودیت‌ها حق انعقاد معاهداتی خاص داده شود که در این جا بدان‌ها خواهیم پرداخت.

1- Malgosia fitzmaurice and dufemi clias, supra, pp. 55-57.

۲- هدایت ا... فلسفی، پیشین، ص ۲۵۴.